

تبیین نقش تعاملات پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا¹

تاریخ پذیرش: 1397/09/28

تاریخ دریافت: 1397/07/28

محسن رضایی²، حسین غلامی³، شادی عظیم زاده⁴

از صفحه 99 تا 124

چکیده

زمینه و هدف: اقدامات انجام شده در راستای کاهش قاچاق کالا از حیث شناخت نوع، گستره و عمق میزان قاچاق کالا توسط دانه درشت‌ها یا باندها و شبکه‌های قاچاق از اصول علمی لازم برخوردار نبوده و این باندها به صورت قاچق گونه در کشور در حال شکل‌گیری و رشد هستند. به دلیل اهمیت نقش پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا، این پژوهش با هدف تبیین نقش تعاملات پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا اجرا شده است.

روش‌شناسی: روش اجرای این پژوهش توصیفی - تحلیلی و جامعه آماری این پژوهش شامل کارشناسان و مدیران نیروی انتظامی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گمرک و سازمان تعزیرات حکومتی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران 400 نفر تعیین شده است. برای سنجش پایایی تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد که پرسشنامه با آلفای 89% تأیید شد.

یافته‌ها: مؤلفه تعامل پلیس با قوه مجریه با میانگین رتبه 4/54، تعامل با نیروهای مسلح با میانگین رتبه 4/01، تعامل با قوه قضاییه با میانگین رتبه 3/93، تعامل با رسانه‌ها با میانگین رتبه 2/79، تعامل با قوه مقننه با میانگین رتبه 2/68 به ترتیب بیشترین اهمیت را برای پلیس جهت رسیدن به وضعیت مطلوب در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا را دارند.

نتیجه‌گیری: پلیس برای رسیدن به وضعیت مطلوب در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا و همچنین نقش‌آفرینی در افزایش توان اقتصاد مقاومتی و تقویت اقتصاد ملی باید مؤلفه‌های تعامل با قوه مجریه و مؤلفه تعامل با نیروهای مسلح را در دوره کوتاه‌مدت میان‌مدت و بلندمدت تقویت و اجرایی نماید.

واژه‌های کلیدی: تعامل، نقش پلیس، پیشگیری، شکل‌گیری باندها، قاچاق کالا.

1 - این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «نقش پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا» می‌باشد.

2 - دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: mohsenrezaee3492@gmail.com

3 - دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: gholami1970@gmail.com

4 - استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Azimzadehshadi@gmail.com

در وضعیت موجود حاکم بر اقتصاد کشور پدیده قاچاق کالا توسط باندها و گروه‌های منسجم به عنوان یک معضل و بیماری جدی بر پیکره اقتصاد ملی سایه افکننده و حیات و نظم ارگانیک کشور را در ابعاد مختلف مختل کرده است، همچنین ضریب رقابت‌پذیری کالاهای تولید داخل را کاهش داده، اشرافیت دولت در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی را با مشکل مواجه کرده و کاهش نرخ اشتغال و عدم گام نهادن در مسیر توسعه پایدار را جدای از آثار سیاسی و امنیتی خود برای کشور در پی داشته است (معین فر و محسنی و نوریان، 1395: 32). از سوی دیگر قاچاق کالا توسط باندها و گروه‌های سازمان یافته در کشور ما، علاوه بر آثار سوء اقتصادی، به عنوان یک چالش اقتصادی و اجتماعی در حوزه‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی حائز اهمیت است.

رواج قاچاق کالا توسط این گروه‌ها و تأثیر سوء آن به عنوان یک عامل بازدارنده توسعه، موجب اختلال در اعمال و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده و در نهایت باعث کاهش رشد و رکود اقتصادی می‌شود (ابراهیم‌زاده آسمین و عباسیان، 1389: 110). این وضعیت در کشور نشان‌گر این است که طرح‌ریزی و عملیاتی نمودن فعالیت‌های مجرمانه باندها به صورت سازماندهی شده با پیچیدگی‌های فراوان در حال گسترش می‌باشد.

شکل‌گیری، رشد و گسترش باندهای قاچاق کالا آن قدر جدی است که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در سخنرانی نوروز سال 1396 و در دیدار با مردم کشورمان در جوار حرم مطهر رضوی با انتقاد از کج‌فهمی در مبارزه با قاچاق و برخورد با مغازه‌داران خرد و یا برخی مرزنشینان که امرار معاش مختصری از طریق جابه‌جایی کالا دارند، بیان داشتند: «منظور از مبارزه با قاچاق این‌گونه موارد نیست، بلکه باید با باندهای قاچاق برخورد شود». رهبر انقلاب اسلامی همچنین با اشاره به آمارهای بالایی که درخصوص قاچاق کالا در کشور مطرح می‌شود، برخورد قاطع و اساسی با این پدیده‌ی بسیار مخرب را در گروی مبارزه با باندهای قاچاق دانستند و فرمودند «حجم عمده‌ی قاچاق از مبادی رسمی و مناطق آزاد وارد کشور می‌شود».

بیان مسأله

اگر چه تاکنون پلیس در کشور سعی در ایجاد امنیت اقتصادی و پیشگیری از قاچاق کالا داشته است و در برخی موارد خرد تاکنون به موفقیت‌هایی نایل آمده است اما واقعیت آن است که در شرایط اقتصادی موجود حاکم بر جامعه پلیس بیشتر بر روی مبارزه و کشف این باندها متمرکز شده و از انجام اقدامات پیشگیرانه در این خصوص باز مانده است. در وضعیت حاکم بر اقتصاد کشور تعارض در اقدامات کنش‌گران اقتصادی موجب ضعف یا شکست برنامه‌های پیشگیرانه پلیس در زمینه‌ی پیشگیری از تشکیل باندهای قاچاق کالا شده است و پلیس به ناچار در راستای وظایف ذاتی خود بیشتر بر خرده قاچاق چیان و کول‌بران متمرکز شده است، این در حالی است که اصلاح وضعیت تعاملات موجود سازمان پلیس با سایر سازمان‌ها و نهادها برای مقابله و پیشگیری از قاچاق کالا به صورت باندی و سازمان یافته، با در نظر گرفتن مطالبات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و رویکرد پیشگیرانه، می‌تواند مشکلات و معضلات زیادی در جامعه از قبیل بیکاری، ضربه به تولید داخلی، کاهش ارزش پول ملی، ضعف نهادهای دولتی، شکاف طبقاتی، فقر، نابرابری و فساد اداری را کاهش دهد.

اما با وجود اقداماتی که در دهه‌ی اخیر در زمینه پیشگیری از جرم در زمینه‌ی عملی و علمی از سوی پلیس انجام شده است باید گفت در زمینه‌ی پیشگیری از شکل‌گیری و رشد باندهای قاچاق کالا در کشور اقدام عملی یا پژوهشی تخصصی از سوی نهادهای مسئول پیشگیری در کشور صورت نپذیرفته است. پس به دلیل منافع گسترده پیشگیری از شکل‌گیری و رشد باندهای بزهکاری و جلوگیری از زیان‌های قطعی یا قریب‌الوقوع آن‌ها، انجام چنین پژوهشی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. از سوی دیگر با توجه به این که اکثر پژوهش‌هایی که در خصوص آثار قاچاق کالا بر اقتصاد کشور انجام شده‌اند بیشتر بر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در گرایش به قاچاق کالا تأکید دارند و به نقش پلیس خصوصاً تعاملات پلیس با سازمان‌های متولی مبارزه با قاچاق کالا مبارزه و پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا که سرچشمه و علل اصلی قاچاق کالا در کشور هستند، نپرداخته‌اند. بنابراین انجام پژوهشی مستقل که به تعاملات پلیس برای پیشگیری از قاچاق کالا توسط باندها و گروه‌های منسجم و سازمان یافته بپردازد یک ضرورت غیر قابل انکار است. با توجه به مطالب ذکر شده و محرز بودن عدم موفقیت

پلیس در مقابله با قاچاق کالا، سودمند نبودن مقابله‌های مقطعی، عدم توجه به عوامل ایجابی قاچاق کالا و آشکار بودن قاچاق کالا از مبادی رسمی این مسئله در ذهن تداعی می‌شود که چرا در وضعیت موجود با وجود تعدد سازمان‌های دخیل در امر مبارزه با قاچاق کالا و توانمندی‌های پلیس، تعاملات پلیس با دیگر سازمان‌های متولی مبارزه با قاچاق کالا در زمینه پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا منفعلانه است و پلیس عملاً از قدرت کافی در این زمینه برخوردار نمی‌باشد؟

فرضیه های پژوهش

1. هر چه تعامل پلیس با قوه مقننه در راستای تقویت قوانین پیشگیرانه بیشتر باشد نقش مؤثری در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا خواهد داشت. لکن در این زمینه بین وضعیت موجود و مطلوب فاصله وجود دارد.
2. هر چه تعامل پلیس با قوه مجریه در راستای قطع زنجیره قاچاق کالا بیشتر باشد نقش مؤثری در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا خواهد داشت. لکن در این زمینه بین وضعیت موجود و مطلوب فاصله وجود دارد.
3. هر چه تعامل پلیس با قوه قضائیه در راستای تجزیه و تحلیل پرونده‌های کلان قاچاق کالا بیشتر باشد نقش مؤثری در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا خواهد داشت. لکن در این زمینه بین وضعیت موجود و مطلوب فاصله وجود دارد.
4. هر چه تعامل پلیس با رسانه‌ها در جهت شفافیت و انجام عملیات روانی بیشتر باشد در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا در کشور ایران نقش مؤثری خواهد داشت. لکن در این زمینه بین وضعیت موجود و مطلوب فاصله وجود دارد.
5. هر چه تعامل پلیس با نیروهای مسلح در راستای انجام اقدامات پیشگیرانه بیشتر باشد نقش مؤثری در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا خواهد داشت. لکن در این زمینه بین وضعیت موجود و مطلوب فاصله وجود دارد.

پیشینه پژوهش

ذوالفقاری و همکاران (1395) در پژوهشی با عنوان «طراحی و تدوین الگوی مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم» نشان داده‌اند که پلیس برای مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم در رابطه با بُعد پیشگیری وضعی به شش مؤلفه اقدامات مشارکتی - تعاملی، آموزشی - ترغیبی، اقدامات نمایی، اقدامات نوین پلیسی، اقدامات پلیسی صرف و اقدامات بین نهادی و در بُعد پیشگیری اجتماعی به پنج مؤلفه تعامل با نهادهای فرهنگی، تعامل با رسانه‌ها، تعامل با مدرسه‌ها، تعامل با خانواده‌ها و خدمات مشاوره‌ای و در بُعد پیشگیری کیفی به سه مؤلفه اقدامات اطلاعاتی - امنیتی، کیفی‌سازی و اقدامات ساختاری پلیس نیاز دارد.

رجبی (1392) در پژوهشی با عنوان «راهکارهای جلب مشارکت مردمی در امر مبارزه با قاچاق کالا» بیان می‌کند: کشورهای مختلف به شیوه‌های گوناگون از قبیل سیاست‌های گمرکی و اقدامات مکمل امنیتی گرفته تا اقدامات تأمینی و حقوقی کیفی و یا فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی و اقدامات پیشگیرانه دیگر به مقابله با پدیده قاچاق پرداخته‌اند. در این پژوهش محقق به شناسایی راه‌های جلب مشارکت مردمی در امر مبارزه با قاچاق کالا پرداخته و پس از بررسی علمی با ارائه پیشنهاداتی در راستای کاهش حجم قاچاق کالا و توسعه امنیت اقتصادی در ایران را، در گرو تعامل با نظام بین‌الملل و بروز و ظهور رفتار جمعی و شیوه‌های رفتار مشارکت‌های مردمی به ویژه سازمان‌های مردم نهاد موفق فرهنگی با بهره‌گیری از تجربیات موفق بین‌المللی، را ظرفیت عظیمی در توسعه پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا می‌داند.

بابایی و نجیبیان (1387) در پژوهش خود با عنوان «تعامل پلیس با نهادهای جامعه‌ی در پیشگیری از جرم (با تأکید بر تدبیر نظارت شخص ثالث)» بیان می‌کنند که وظیفه اصلی پیشگیری از جرم در کشورهای مختلف به عهده پلیس است. اجرای این وظیفه در حال حاضر و با توجه به وضع جوامع کنونی و ابعاد پیچیده ارتکاب جرم، مستلزم همکاری نهادهای رسمی و جامعه‌ی است. تلاش‌های پلیس برای متقاعد یا وادار کردن نهادهای اجتماعی از قبیل: مالکین املاک، والدین و متصدیان و صاحبان مشاغل، ابعاد دیگری از انجام وظیفه پیشگیری از جرم تلقی می‌شود.

سیمون¹ (2007) در پژوهش خود با عنوان «یکپارچه‌سازی سازمان‌های مجری قانون برای رسیدن به پلیس اطلاعات محور توسعه‌یافته» بیان می‌کند که با توجه به ظهور مراکز جمع‌آوری اطلاعات و تلاش برای توسعه ظرفیت اطلاعات محوری در اجرای قانون توسط پلیس در آمریکا، به خوبی موقعیت پلیس اطلاعات محور در سازمان‌های پلیسی در دهه آینده مشخص شده است. ایشان همچنین بیان می‌کند پلیس اطلاعات محور متکی بر داده‌های متقنی است که از طیف وسیعی از منابع، به منظور ایجاد محصولات اطلاعاتی جمع‌آوری می‌شود و می‌تواند بر تصمیم‌گیرندگان و در نهایت محیط جنایی تأثیرگذار باشد. یکپارچه‌سازی سازمان‌های مجری قانون برای ارتقاء رویکرد اطلاعات محوری در پلیس می‌تواند موجب افزایش ظرفیت جمع‌آوری داده‌ها و تسهیل استفاده از بخش خصوصی به عنوان بازوی کمکی سازمان‌های پلیس شود و بدینوسیله فرهنگ آمادگی شهروندان برای پیشگیری از جرم محیا شود.

مبانی نظری

در این پژوهش، برای بررسی شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا و ابعاد آن، از یک چارچوب تلفیقی با استفاده از نظریه‌ی جرایم یقه سفید، نظریه پیشگیری اجتماعی و نظریه پیشگیری وضعی بهره گرفته شده است.

هیچ نظریه‌ای به تنهایی برای تبیین و توضیح جرایم سازمان‌یافته و جرایم یقه‌سفیدی کامل نیست و برای چنین موضوعی، متاتئوری (فرانظریه) لازم است تا بتوان تمام زوایای این فرآیند پیچیده و مهم اجتماعی را شناخت (محمدی اصل، 1382: 133؛ صدیق سروستانی، 1383: 48). با توجه به این‌که جرایم قاچاق کالا به صورت سازمان یافته در کشور ایران به علل گوناگون از جمله گروهی بودن ارتکاب جرم، عدم توازن میان امکانات بازدارنده و امکانات مجرمان سازمان‌یافته، گسترش موضوعات مجرمانه، بالا بودن درآمد فعالیت مجرمانه و کاهش هزینه ارتکاب این فعالیت‌ها، خلاءهای قانونی و عدم انطباق قوانین سنتی با جرایم مربوط در حال گسترش هستند. در این زمینه برای تبیین نحوه شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا و نقش پلیس در

1- Simeon

پیشگیری از آن‌ها به سه نظریه در خصوص جرایم سازمان‌یافته، پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی اشاره شده است.

نظریه جرایم یقه سفیدی

در سال 1940 ادوین ساترلند مفهوم «جرایم یقه سفیدی» را مطرح کرد. ساترلند نتیجه تحقیقات میدانی خود را راجع به جرایم در اصناف و شرکت‌ها و موسسات اقتصادی، مالی، تولیدی، خدماتی و بانکی آمریکایی در نیمه اول قرن بیستم، به صورت سخنرانی در انجمن جامعه شناسی آمریکا، بیان داشت و مفهوم «جرایم یقه سفیدها» را برای اولین بار وارد حوزه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی کرد و توجه همکارانش را به جرایم شغلی و حرفه‌ای افراد مرفه و متعلق به طبقه بالای جامعه جلب نمود. هدف ساترلند اصلاح جرم‌شناسی زمان خودش بود، به این جهت که تا آن زمان به نظر اکثر نظریه‌پردازان جرم را یک پدیده پاتولوژیک، زیستی و اجتماعی بود که بر طبقات پایین جامعه متمرکز بوده است. اما ساترلند، آن نظر را به چالش کشید و گفت مجرمان یقه سفید، دارای موقعیت، احترام و قابلیت انطباق اجتماعی عالی هستند و با سوء استفاده از همین موقعیت‌ها مرتکب جرایم و مفاسد اقتصادی مرتبط با شغل خود می‌شوند (رحیمی‌نژاد، 1391: 1). عامل مهمی که ساترلند روی آن تکیه دارد این است که سازمان‌های جنایی زمانی ایجاد شده‌اند که بحرانی در کشور وجود داشته است و آن‌ها از آن حاشیه استفاده کرده و تشکل‌هایی ایجاد کرده‌اند (نجفی ابرندآبادی، 1379: 854). در این خصوص می‌توان به شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا در وضعیت اقتصادی کشور ایران در سال 1397 در پی اعمال تحریم‌های گسترده آمریکا و اقدامات باندها، گروه‌ها و تشکل‌های سازمان‌یافته و رشد و گسترش آن‌ها در راستای کسب منافع بیشتر و فعالیت گسترده آنان در زمینه‌های مختلف اعم از قاچاق ارز، قاچاق محصولات کشاورزی، قاچاق سوخت و ... اشاره کرد. واقعیت این است که در این شرایط، پلیس به تنهایی نمی‌تواند روند قاچاق کالا و بی‌نظمی اقتصادی را مهار را اعمال کند. در این خصوص پلیس برای پیشگیری و حل مشکلات مربوط به فرآیند قاچاق کالا به همکاری و کمک سازمان‌ها و نهادهای دیگر نیاز دارد. بهره‌گیری از مزیت‌های قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب 1392 و قانون برنامه ششم توسعه اولویت پرداختن به علل و ریشه‌های قاچاق توأم با تشدید مبارزه با قاچاق سازمان‌یافته و نیز زمینه‌سازی برای

مشارکت حداکثری دستگاه‌های متولی مبارزه با قاچاق کالا در فرآیند تصمیم‌سازی و مبارزه از جمله اقدام‌های ممکن برای پلیس در زمینه پیشگیری از تشکیل باندهای قاچاق کالا است.

نظریه پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی به عنوان یک نظریه علمی برای کاهش بزهکاری، نخستین بار در دهه 1980 میلادی توسط کلارک، کرنیش و هی هیور¹ مطرح شد. آنان در آثار خود همواره به اتخاذ تدابیر مناسب و به کارگیری اقدامات لازم به منظور کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که موجب رفتار بزهکارانه می‌شود و هم چنین تغییر رابطه بین بزهکار و بزه‌دیده تأکید کرده‌اند (جیبی پور، 1387: 99 - 100). این روش، شیوه‌ای از پیشگیری است که با تغییر وضعیت فرد در معرض بزهکاری و بزه‌دیدگی و یا تغییر شرایط محیطی مانند: زمان و مکان درصدد است از ارتکاب جرم توسط فرد مصمم به انجام جرم جلوگیری کند. در این روش، گاهی فرد در معرض بزه‌دیدگی مدنظر قرار گرفته و با حمایت از او یا آن چه در معرض وقوع جرم است، از تحقق عمل مجرمانه جلوگیری می‌شود. در مواردی نیز با تغییر شرایط محیطی اعم از: مکان و زمان، امکان تحقق جرم سلب یا وقوع آن دشوارتر می‌شود (رهامی و حیدری، 1384: 197). بنابراین پیش‌بینی، شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن را پیشگیری وضعی می‌گویند؛ که گاهی از آن تحت عنوان «مدیریت کردن خطر جرم» نیز نام می‌برند (بیات و همکاران، 1387: 43 - 42). برخی از جرم‌شناسان، از جمله کلارک، پیشگیری وضعی را تدابیر و روش‌هایی تعریف می‌کنند که برای کاهش فرصت به سوی شکل کاملاً خاصی از جرم نشانه می‌رود و نیازمند طراحی و مدیریت محیط مستقیم (صحنه و محل وقوع جرم) است، به گونه‌ای که سختی و خطر اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد و سود انگاری مجرمانه را پایین می‌آورد (صفاری، 1390: 290). در این میان پلیس به عنوان یک عنصر اجتماعی تخصصی در زمینه شکل‌گیری باندهای مجرمانه و فعال ضد باندهای قاچاق کالا، در انواع رویکردهای پیشگیرانه نقشی مؤثر دارد و همواره تلاش دارد با توجه به محدودیت طبیعی منابع و امکانات حتی‌المقدور با صرف هزینه کمتر و بازدهی بیشتر در زمینه انواع روش‌های پیشگیری از وقوع جرم مؤثر باشد. در

خصوص شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا پلیس می‌تواند با تعامل گسترده با سازمان‌های دیگر به ایجاد تغییرات در ساختارها و محتواها در جهت تقویت تدابیر کنترلی و نظارتی اقدام به سخت کردن دسترسی به آماج، افزایش خطر ارتکاب و در نهایت فرصت‌زدایی از قاچاق گسترده و سازمان‌یافته توسط باندهای قاچاق کالا نماید.

نظریه پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی را می‌توان نسل حقوق بشری پیشگیری از جرم دانست که در بستر نظریه‌های انتقادی جرم‌شناسی متولد شده است (ابراهیمی، 1390: 150). اندیشه بهره‌جستن از پیشگیری اجتماعی نخستین بار توسط انریکو فری مطرح گردید وی بر این باور بود که تدابیر اجتماعی جایگزین کیفرها بهتر و اثرگذارتر از مجازات جلوی بزهکاری را می‌گیرند (گسن، 1370: 306). از نظر جرم‌شناسی، پیشگیری اجتماعی از جرم مبتنی بر علت‌شناسی جرم است؛ یعنی پیشگیری اجتماعی از جرم مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند و عوامل اجتماعی باید این عوامل جرم‌زا را خنثی کنند. پیشگیری اجتماعی یعنی مداخله در محیط اجتماعی عمومی، مانند محیط‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و محیط اجتماعی شخصی مانند محله، خانواده، مدرسه و ... (نجفی ابرندآبادی، 1379: 760). پیشگیری اجتماعی با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی است و می‌کوشد تا اعضای جامعه را از طریق آموزش، تربیت، تشویق و تنبیه با نظام اجتماعی و فرهنگی آشنا و هم‌نوا کند (شاطری‌پور، 1388: 14). به نظر می‌رسد که یکی از رویکرد مناسب در مورد پیشگیری از قاچاق کالا، رویکرد پیشگیری اجتماعی باشد؛ زیرا نظام پیشگیری مبتنی بر اجتماع، فارغ از حساب‌گری کیفری، سدی محکم در برابر ارتکاب جرم، به شمار می‌رود. علاوه بر این، احیای سنت‌های اجتماعی مناسب و باز تولید پیوندهای اجتماعی قوی موجب شکل‌گیری ضمانت اجراهای جنایی غیررسمی می‌شود. از این‌رو به نظر می‌رسد که به موازات تقویت علقه‌های اجتماعی و حساسیت جامعه در قبال اقدامات باندهای قاچاق کالا، نرخ جرایم این باندها نیز کاهش یابد.

با توجه به مطالعات نظری انجام شده و با توجه به تعدد سازمان‌های دولتی در این‌جا در 8 بند تعامل پلیس با سازمان‌هایی که از قابلیت، ساختار، پتانسیل و مقبولیت

تأثیرگذاری و اعتبارات فرهنگی و اجتماعی بالایی در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا برخوردار هستند مورد بررسی قرار گرفته است.

تعامل پلیس با اصناف

در این زمینه بر اساس ماده 10 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب 1392؛ یکی از وظایف قانونی پلیس، مبارزه با توزیع، عرضه و فروش کالای قاچاق است. در کشور ما اصناف بزرگ‌ترین لایه جمعیتی تأثیرگذار در جامعه هستند. صنوفی که از طریق تجارت قانونی با برآورد نیاز مردم و بازار، کالاهایی را وارد و از مجرای صحیح در معرض فروش قرار می‌دهند در صورت ورود کالابه صورت قاچاق در چرخه توزیع دچار ناامنی شغلی شده و رغبت خود را به کسب حلال و سالم از دست می‌دهند و قاچاق‌چیان با استفاده از خلاء روانی، کالاهای نامرغوب و ارزان خود را راهی بازار و مردم را نیز دچار سردرگمی می‌کنند. بدین ترتیب اصناف به عنوان یک نهاد مهم و کلیدی علاوه بر کارکردهای اقتصادی و به گردش درآوردن موتور رو به جلو پیشرفت‌های اقتصادی می‌توانند نقش مؤثری در برقراری امنیت اقتصادی در سطح جامعه و پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق و خنثی نمودن اقدامات این باندها ایفا کنند. تعامل پلیس با اصناف و حضور فعال آن‌ها در همه زمینه‌ها از جمله پیشگیری و مقابله همه جانبه و فراگیر با پدیده قاچاق کالا می‌تواند یکی از مهم‌ترین راهکارها در پیشگیری از تشکیل باندهای قاچاق و ایجاد امنیت اقتصادی باشد.

تعامل پلیس با رسانه‌ها

یکی از راهکارهای تعاملی پلیس برای پیشگیری، همکاری در کمپین‌های رسانه‌های جمعی و سایر تلاش‌ها برای بالا بردن سطح آگاهی عمومی در رابطه با مشکلات مرتبط با قاچاق، که اغلب به عنوان یک «جرم بدون قربانی» شناخته می‌شود، پیشنهاد شده است (جوسنز¹ و همکاران، 2000). به عنوان مثال، بریتانیا اعلام کرده است که دقیقاً این نوع کمپین را در روابط عمومی اتخاذ خواهد نمود (وزارت خزانه‌داری بریتانیا²، 2000). تصویب و اجرای تحریم‌هایی برای در اختیار داشتن کالاها و محصولات

1- josons

2 - HM Treasury

غیرقانونی قاچاق نیز می‌تواند میزان خرید و مصرف چنین محصولاتی را کاهش دهد (مریمن¹، 2012: 37).

در حال حاضر در کشور ایران پوشش خبری رسانه‌ها بر نقش این گروه‌ها و اعضای آن‌ها در تهیه تا توزیع قاچاق کالا متمرکز است. برنامه‌های خبری تلویزیون و سایر رسانه‌ها به صورت مقطعی اقدامات و روش‌های باندهای قاچاق کالا را به تصویر می‌کشند و بیان می‌دارند که این اقدامات منجر به تضعیف اقتصاد کشور شده است.

در این زمینه نیز پلیس می‌تواند با تعامل با رسانه‌ها به تقویت فرهنگ مبارزه با قاچاق کالا در پیشگیری از تشکیل و رشد باندهای قاچاق کالا اقدام نماید.

تعامل پلیس با سایر نیروهای مسلح

بر اساس قانون و با توجه به تشکیلات و وظایف سازمانی موجود، وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز به پلیس مبارزه با قاچاق کالا به عنوان یکی از معاونت‌های پلیس آگاهی، سپرده شده است. در این خصوص مطابق بند 8 ماده 4 قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1369؛ مبارزه با قاچاق کالا به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروی انتظامی است. از سوی دیگر مطابق بند 15 ماده 4 قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1369؛ همکاری با سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مواقع لزوم و بنا به دستور، از وظایف این نیرو محسوب شده است.

حال در وضعیت اقتصادی حاکم بر اقتصاد کشور و گستردگی قاچاق کالا به صورت باندى، پرسنل مرزبانى نیروی انتظامی با استقرار در مرزهای کشور وظیفه جلوگیری از ورود و خروج کالای قاچاق را برعهده دارند. اخیراً در مرزهای شرقی و غربی و در مرزهای جنوبی کشور نیروهای نظامی بسیج، سپاه و ارتش هم وظیفه حراست از مرزها و مقابله با هرگونه صادرات و واردات قاچاق را بر عهده دارند. بدین ترتیب تعامل پلیس با سایر نیروهای مسلح همان‌گونه که تاکنون زمینه‌ساز توفیق در مأموریت‌های مشترک شده و تقویت امنیت پایدار را در کشور در پی داشته است می‌تواند در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و پیشگیری از شکل‌گیری آن نیز موفقیت‌های چشمگیری را در پی داشته باشد. لذا در راستای تعامل و هماهنگی بیشتر نیروهای مسلح، ایجاد یک معاونت یا

مرکز پیشگیری و مقابله با قاچاق باندی کالا در ستاد کل نیروهای مسلح می‌تواند در اشراف اطلاعاتی پلیس در این زمینه نقش مؤثری داشته باشد.

تعامل پلیس با وزارت صنعت، معدن و تجارت

تلاش‌های پلیس برای جلب همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌تواند راهکار مناسبی برای پیشگیری از قاچاق کالا باشد. مشارکت کاری پلیس با وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌تواند ضمن برجسته نمودن نقش نظارت پلیس در پیشگیری، از قابلیت‌های این وزارت خانه نیز بهره بگیرد. در این زمینه قانونگذار در تبصره 1 ماده 13 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب 1392 بیان داشته است که؛ وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است با همکاری دستگاه‌های تخصصی مرتبط، برای شناسایی و رهگیری کالا از بدو ورود تا سطح عرضه، سامانه‌ای با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین از جمله رمزینده دو یا چند بُعدی، ایجاد و امکان بهره‌گیری دستگاه‌های مرتبط را از سامانه مزبور فراهم نماید. لذا تعامل پلیس با این وزارت‌خانه، اولاً؛ درک متقابل و اعتماد بین پلیس و آن‌ها را افزایش می‌دهد. ثانیاً؛ تلاش‌های مبتنی بر پیشگیری را تقویت می‌نماید. ثالثاً؛ تعهد و رابطه مداوم و مستمر بین پلیس و آن‌ها ایجاد می‌کند.

تعامل پلیس با گمرک

قانون‌گذار در بند ب ماده 108 قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400-1396) بیان می‌کند که، «به منظور کنترل و مبارزه مؤثر با قاچاق کالا به نیروی انتظامی و گمرک اجازه داده می‌شود نسبت به نصب، راه‌اندازی و به روزرسانی سامانه‌های کنترل خودرویی بارگنجی (کانتینری) (ایکسری) در مبادی گمرکی، ورودی و خروجی مرزها و ایستگاه‌های بازرسی و کنترلی ناجا از طریق اشخاص و مؤسسات حقوقی غیردولتی اقدام نمایند. مدیریت و بهره‌برداری از این سامانه‌ها حسب مورد در اختیار نیروی انتظامی و گمرک می‌باشد. به منظور تأمین هزینه‌های مربوط به راه‌اندازی، نگهداری و به روزرسانی سامانه‌های کنترلی خودرویی بارگنجی (کانتینری) (ایکس ری) و تجهیزات مربوط به آن صاحبان بار یا خودرو مکلفند به هنگام کنترل و صرفاً در مبادی ورودی و خروجی نسبت به پرداخت تعرفه مربوط اقدام کنند. میزان این تعرفه در بودجه سنواتی تعیین می‌شود.»

در این خصوص یکی از شاخصه‌های مهم برای پیشگیری از شکل‌گیری و مقابله با رشد باندهای قاچاق کالا تعامل و همکاری پلیس با گمرک است که می‌بایست یک ارتباط دائمی در موارد زیر برقرار باشد.

- 1- تشکیل پلیس گمرک و استقرار پلیس در مبادی رسمی ورود قاچاق کالا؛
- 2- نظارت بر عملکرد کاربران ایستگاه‌های ایست و بازرسی؛
- 3- پیشگیری و مقابله با قاچاق سازمان‌یافته و کلان؛
- 4- برگزاری مستمر جلسه تعاملی و مشترک مسئولان ارشد گمرکات و پلیس؛
- 5- تشکیل تیم‌های عملیاتی و تخصصی و مشترک توسط پلیس و گمرک؛
- 6- فراهم کردن بستر لازم برای استقرار سامانه جامع امور گمرکی در سازمان پلیس؛
- 7- بهره‌گیری حداکثری از سامانه جامع گمرکی و رصد و رهگیری اطلاعات؛
- 8- جمع‌آوری اخبار و اطلاعات، شناسایی قاچاقچیان کلان و سردسته‌ها؛
- 9- کنترل دقیق مبادی ورودی و خروجی؛
- 10- سالم‌سازی فضای اقتصادی برای جامعه؛
- 11- تمرکز بر ایجاد و باز تولید امنیت اقتصادی با رویکرد ایجابی؛
- 12- تلاش برای تشکیل سامانه‌های مورد نیاز همانند سامانه جامع تجارت، سامانه یکپارچه اعتبارسنجی و رتبه‌بندی، سامانه ارزی، سامانه حمل و نقل، سامانه جامع انبارها و مراکز نگهداری کالا، سامانه پنجره واحد و سامانه پرونده‌های قاچاق کالا و سایر سامانه‌های مورد نیاز برای پیشگیری از قاچاق کالا به شکل باندهای در زمینه مبارزه با فساد و قاچاق کالا؛
- 13- بهره‌گیری حداکثری پلیس از ظرفیت بانک‌های اطلاعاتی گمرک؛
- 14- ارتقاء سطح دانش و تخصص کارکنان اجرایی پلیس و گمرک.

تعامل پلیس با وزارت اطلاعات

مطابق بند 2 ماده 4 قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1369؛ مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد، با همکاری وزارت اطلاعات به عنوان یکی از وظایف این نیرو محسوب شده است. هم چنین در بند 4 این قانون اقدام لازم در زمینه کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف محوله و همکاری با سایر سازمان‌ها و یگان‌های اطلاعاتی کشور در حدود وظایف آن‌ها، به عنوان یکی دیگر از وظایف این نیرو در راستای تعامل و همکاری این نیرو با سایر سازمان‌ها بیان شده است. بنابراین در شرایط اقتصادی کنونی حاکم بر اقتصاد کشور پلیس به دلیل پیچیدگی وضعیت قاچاق کالا توسط باندهای سازمان یافته در جامعه، به ناچار به تعامل و همکاری با وزارت اطلاعات که در منافع با آن مشترک است، می‌باشد. تعامل پلیس با وزارت اطلاعات باعث توانمندسازی نیروهای پلیس برای مسئولیت‌پذیری و مشارکت هرچه بیشتر در حل بحران قاچاق کالا در کشور از طریق آگاه‌سازی، آموزش و سازمان‌دهی منابع مورد نیاز می‌شود. هدف پلیس در روند تعامل با وزارت اطلاعات، باید دخیل کردن هرچه بیشتر این نهاد اطلاعاتی در تصمیم‌گیری‌ها، تقسیم مسئولیت‌ها و سهم کردن آنان در فرآیند حل بحران قاچاق کالا توسط دانه درشت‌ها و سرباندها قاچاق کالا باشد.

تعامل پلیس با دستگاه قضایی

یکی از راهکارهای مهم پلیس برای پیشگیری از قاچاق کالا، برنامه‌ریزی برای تعامل پلیس و دستگاه قضایی است. پلیس با تکیه بر تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از فعالیت این نهاد می‌تواند تحولات جرایم باندهای قاچاق کالا در یک دوره مشخص را پیش‌بینی و برنامه پیشگیرانه لازم را تدوین و ارائه نماید. بنابراین هر چه دستگاه قضایی و پلیس با هم تعامل و هماهنگی بیشتری داشته باشند فضا برای شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا تنگ‌تر می‌شود.

تجزیه و تحلیل سودمند در فرآیند قاچاق کالا و پیشگیری از آن سازوکار، شرایط و ابزارهای خاص خود را دارد. زیرا صرف تجزیه و تحلیل و دستگیری قاچاق‌چیان پایان کار نخواهد بود چرا که بی‌اطلاعی واحد تجزیه و تحلیل جرم از رای صادره توسط دادگاه و

بعضاً اطلاع دادرسی و تأخیر در اعمال کیفر، موجب گسترش این حس می‌شود که قاچاق‌چیان بدون کیفر مانده است (کلانتری و صفری، 1387:32).

تعامل پلیس با مجلس شورای اسلامی

درخصوص پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا، عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نقشی عمده ایفا می‌کنند؛ بنابراین لازم است تمهیدات و اقدامات لازم برای ایجاد هماهنگی بین اجزا و سازمان‌های مرتبط فراهم شود؛ زیرا نمی‌توان با گزینش روش‌ها و اقدامات ناهماهنگ، به نتیجه مطلوب و هدفمند دست یافت. وظایفی که پلیس درباره پیشگیری و مبارزه با قاچاقچیان انجام می‌دهد قطعاً نیازمند حمایت ویژه مجلس در بحث ابلاغ و تصویب قوانین است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی؛ از نظر ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی است که از ابزار پرسشنامه محقق ساخته جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران و کارشناسان نیروی انتظامی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سازمان گمرک و سازمان تعزیرات حکومتی است. برای مشخص شدن تعداد نمونه بر اساس فرمول کوکران از مجموع 2150 کارشناسان پلیس، سازمان‌های گمرک، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تعزیرات حکومتی، تعداد 400 نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای انجام نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شد. اعتبار و روایی پرسشنامه به طریق محتوایی و بر اساس نظر متخصصین مورد سنجش قرار گرفت. پس از مشخص کردن مؤلفه‌ها و شاخص‌های اثرگذار برای سنجش ابعاد تحقیق، پرسشنامه اولیه طراحی و در چندین نوبت بر اساس نظر اساتید و متخصصین مربوطه پرسشنامه اصلاح و پرسشنامه نهایی تثبیت شد. برای سنجش پایایی نیز در این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که پرسشنامه با آلفای 89% تأیید و از پایایی لازم برخوردار بود.

شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش به دو صورت کمی و کیفی است. پرسشنامه‌ها پس از کُدگذاری با استفاده از آزمون‌های تی زوجی، تی تک نمونه‌ای، آزمون فریدمن¹ و آزمون کلوموگروف - اسمیرینوف² تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی: ویژگی‌های شغلی جامعه آماری پژوهش در جدول زیر ارائه شده است.

جدول 1- ویژگی‌های شغلی جامعه نمونه پژوهش

ردیف	شغل پاسخ‌دهندگان	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
1	کارشناس	278	69/4	69/5
2	مدیر	114	28/6	98
3	هیئت علمی	8	2	100
4	جمع	400	100	

باتوجه به جدول مربوط به وضعیت شغل پاسخ‌دهندگان مشخص می‌شود، بیشترین درصد پاسخ‌دهندگان یعنی 69/4 درصد کارشناس و پس از آن به ترتیب مربوط به گروه مدیران با 28/6 و هیئت علمی با 2 درصد می‌باشند.

سازمان محل خدمت جامعه آماری: سازمان محل خدمت پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه پژوهش در جدول شماره 3 ارائه شده است.

جدول 2- سازمان محل خدمت پاسخ‌دهندگان جامعه نمونه پژوهش

ردیف	سازمان پاسخ‌دهندگان	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
1	نیروی انتظامی	230	57/5	57/8
2	گمرک	50	12/5	70/3
3	ستاد قاچاق کالا	85	21	91/5
4	تعمیرات حکومتی	35	8/8	100
5	جمع	400	100	

نتایج جدول مربوط به وضعیت سازمان محل خدمت پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که بیشترین درصد پاسخ‌دهندگان یعنی 57/5 درصد مربوط به نیروی انتظامی و پس از آن به ترتیب 21 درصد مربوط به ستاد قاچاق کالا، 12/5 درصد گمرک و 8/8 درصد

1- Friedman test

2- Kolmogorov-Smirnov test

مربوط به سازمان تعزیرات حکومتی می‌باشند.

یافته‌های استنباطی

بررسی نرمال بودن داده‌ها یکی از مراحل مهم یک تحلیل آماری به شمار می‌رود، چرا که اگر توزیع داده‌ها نرمال باشد باید از آزمون‌های پارامتریک و در صورتی که غیر نرمال باشد باید از آزمون‌های ناپارامتریک برای آن‌ها استفاده شود، با توجه به این که تعداد داده‌ها بیش از 100 نمونه می‌باشد لذا از آزمون کلموگروف - اسمیرینوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها استفاده شده است و نتایج زیر بدست آمد:

جدول 3- نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرینوف (بررسی نرمال بودن مؤلفه‌های بُعد تعامل پلیس)

مؤلفه	تعاملات پلیس				
	تعامل با قوه	تعامل با قوه	تعامل با قوه	تعامل با سایر	تعامل با سایر
	مجریه	مقننه	قضائیه	رسانه‌ها	نیروهای مسلح
سطح معناداری	0/063	0/081	0/087	0/071	0/059
تعداد کل	400	400	400	400	400

با توجه به جدول فوق، خروجی آزمون نشان می‌دهد سطح معناداری آزمون کلموگروف - اسمیرینوف بیشتر از 0/05 می‌باشد. بنابراین توزیع مؤلفه‌های تعامل پلیس نرمال بوده و با احتمال 95 درصد می‌توان بیان کرد که در تحلیل مؤلفه تعامل پلیس باید از آزمون‌های پارامتریک استفاده شود.

تبیین وضعیت تعاملات پلیس

برای بررسی میزان تأثیر «تعامل پلیس با نهادهای برون سازمانی در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا» از آزمون تی-تک نمونه‌ای استفاده شد که نتایج به شرح ذیل بدست آمده است:

جدول 4- نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای (تأثیر تعامل پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا)

تعداد	آزمون تی-تک نمونه‌ای		
	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف از میانگین
تعامل پلیس با نهادهای برون سازمانی در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا	3/63	0/333	0/017

جدول 5- نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای (تأثیر تعامل پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا)

آزمون تی- تک نمونه‌ای						
Test Value=3						
t	درجه آزادی	سطح معناداری	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference		
				Lower	Upper	
تعامل پلیس با نهادهای برون سازمانی در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا						
37/946	399	0/000	0/632	0/60	0/66	

در بررسی جدول فوق سطح معناداری صفر می‌باشد که این مقدار از 0/05 کمتر می‌باشد، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر متوسط بودن میزان تأثیر تعامل پلیس با نهادهای برون سازمانی در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا رد می‌شود، ولی با توجه به جدول فوق که حدود اطمینان (کران‌های بالا و پایین فاصله اطمینان) هر دو مثبت می‌باشد لذا میزان تأثیر تعاملات پلیس با نهادهای برون سازمانی برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا بیش از حد متوسط و در سطح زیاد ارزیابی می‌گردد.

بررسی شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب

برای بررسی «شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب در تعامل پلیس با نهادهای برون سازمانی در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا» از آزمون تی- زوجی استفاده شد، که نتایج به شرح ذیل بدست آمده است:

جدول 6- یافته‌های آزمون تی زوجی برای تحلیل شکاف تعاملات پلیس در وضعیت موجود و مطلوب

آماره	میانگین	تعداد	انحراف معیار	خطای انحراف از میانگین
تفاوت وضع موجود و مطلوب	2/26	400	0/500	0/025
در بُعد تعاملات پلیس با نهادهای برون سازمانی	3/63	400	0/333	0/017

نتایج جدول شماره 6 نشان می‌دهد که، در بُعد تعاملات پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا میانگین در وضع موجود برابر 2/26 و میانگین وضع مطلوب

برابر 3/63 می‌باشد. به طوری که در وضع مطلوب میانگین بالاتر از حد متوسط است. همچنین انحراف معیار در وضع موجود بُعد تعاملات پلیس برابر با 0/500 و انحراف معیار در وضع مطلوب برابر 0/333 است.

جدول 7- مقدار آزمون تی (برای تحلیل شکاف بُعد تعاملات پلیس با نهادهای برون سازمانی)

آماره	تفاوت میانگین‌ها			مقدار آزمون درجه سطح	
	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف از میانگین	حدود اطمینان	تی آزادی معنی‌دار
تفاوت وضع موجود و مطلوب	-1/377	0/638	0/032	-1/439	-1/314
				399	0/000

برای بررسی «شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب در بُعد تعاملات پلیس جهت مشخص کردن» نقش پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا از آزمون تی- زوجی استفاده شد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که مقدار آزمون تی زوجی برابر $-43/1151$ و تفاوت بین دو میانگین برابر $-1/377$ است که در سطح 0.5 معنی‌دار است. به عبارتی در این آزمون سطح معناداری صفر می‌باشد که مقداری کمتر از 0.5 است. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر عدم تفاوت در میانگین‌های وضع موجود و مطلوب رد می‌گردد که این نتیجه دلالت بر وجود شکاف معنادار وضع موجود و مطلوب دارد. همچنین با توجه به منفی بودن حدود اطمینان، میانگین تفاوت‌ها در وضع موجود در سطحی کمتر از وضع مطلوب می‌باشد. این امر بیانگر این موضوع است که بین این دو تفاوت معناداری وجود دارد.

میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های تعاملات پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای بزهکاری قاچاق کالا در وضعیت مطلوب

برای بررسی میزان تأثیرگذاری مولفه‌های تعاملات پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا از آزمون تی دو و آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد که نتایج به شرح ذیل می‌باشد:

جدول 8 - آزمون فریدمن

400	تعداد
980/787	مقدار آزمون خی 2
5	درجه آزادی
0/000	سطح معناداری

با توجه به مقدار آزمون خی دو که 980/787 و سطح معناداری که 0/000 است می‌توان با اطمینان 95 درصد بیان کرد رتبه بندی فریدمن معتبر می‌باشد.

جدول 9- بررسی وضعیت موجود و مطلوب تعاملات پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا

ردیف	مؤلفه‌های تعاملات پلیس	میانگین نمره	
		وضعیت موجود	وضعیت مطلوب
1	تعامل با قوه مجریه	2/4	4/54
2	تعامل با نیروهای مسلح	2/49	4/01
3	تعامل با قوه قضائیه	2/07	3/93
4	تعامل با رسانه‌ها	2/86	2/79
5	تعامل با قوه مقننه	1,59	2/68

همان‌طور که در جدول بالا در بررسی رتبه‌بندی مؤلفه‌های تعاملات پلیس در وضعیت مطلوب و تفکیک نمره مؤلفه‌های آن مشخص است، بیشترین میانگین نمره مربوط به مؤلفه تعامل پلیس با قوه مجریه با نمره (4/54) می‌باشد و پس از آن به ترتیب مؤلفه‌های تعامل با نیروهای مسلح با نمره (4/01)، تعامل با قوه قضائیه با نمره (3/93)، تعامل با رسانه‌ها با نمره (2/79) و تعامل با قوه مقننه با نمره (2/68) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در بررسی جدول مربوط به رتبه‌بندی مؤلفه‌های تعامل پلیس در وضع موجود و تفکیک نمره مؤلفه‌های آن مشخص شد که بیشترین میانگین نمره مربوط به مؤلفه تعامل با رسانه‌ها با نمره (2/86) می‌باشد و پس از آن به ترتیب مؤلفه‌های تعامل با نیروهای مسلح با نمره (2/49)، تعامل با قوه مجریه با نمره (2/4)، تعامل با قوه قضائیه با نمره (2/07) و تعامل با قوه مقننه با نمره (1/59) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده از این پژوهش بیانگر این است که پلیس باید در زمینه‌ی مقابله و پیشگیری از قاچاق کالا به صورت هماهنگ با نهادها و سازمان‌های دیگر عمل کند، اما هم اکنون شیوه برخورد و اقدامات پیشگیرانه سازمان‌های متولی مبارزه با قاچاق کالا و پلیس هماهنگ نیست. بنابراین اگر سازمان پلیس بتواند با تعامل با دیگر سازمان‌ها و تقویت زیرساخت‌های تعاملی تصویری مثبت از اقدامات پیشگیرانه ایجاد کند و فرصت‌های مجرمانه قاچاق کالا را کاهش دهد، باندهای قاچاق کالا از ارتکاب قاچاق گسترده باز خواهند ماند. چون در معادله عقلانی سردسته‌های باندهای قاچاق، میزان تلاش و خطر ارتکاب قاچاق کالا (هزینه) بیشتر از منافع حاصل از قاچاق کالا (سود) خواهد بود. با توجه به این امر می‌توان این گونه گفت که پلیس با ایفاء نقش‌های مهم و کارآمد بایستی احتمال ریسک انجام فعالیت‌های باندهای قاچاق‌چیان را افزایش داده تا احتمال کسب سود مورد انتظار آن‌ها کاهش یابد لذا نقش مؤثر تعامل پلیس با دیگر سازمان‌های متولی مبارزه با قاچاق کالا می‌تواند به افزایش احتمال عدم شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا منجر شود و از این طریق در مقابله با این باندها تأثیرگذار باشد.

نتایج بدست آمده از تحلیل آزمون‌های اجرا شده در این پژوهش نشان داد که بین وضعیت موجود و مطلوب تعاملات پلیس با دیگر نهادهای متولی مبارزه با قاچاق کالا در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا شکاف معناداری وجود دارد. لذا برای رسیدن به وضعیت مطلوب پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا مطابق نتایج آزمون فریدمن مؤلفه تعامل پلیس با قوه مجریه با میانگین رتبه 4/54، مؤلفه‌های تعامل پلیس با نیروهای مسلح با میانگین رتبه 4/01، تعامل پلیس با قوه قضائیه با میانگین رتبه 3/93، تعامل پلیس با رسانه‌ها با میانگین رتبه 2/79، تعامل پلیس با قوه مقننه با میانگین رتبه 2/68 به ترتیب بیشترین و کمترین اهمیت را جهت اصلاح تعاملات پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا را دارند. بنابراین در وضعیت موجود تحقق اهداف و آرمان‌های پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا متضمن تدوین و بهره‌مندی از یک سیاست تعاملی روش‌مند و هدف‌گرا با قابلیت اقدامات پیشگیرانه است و پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا و همچنین نقش‌آفرینی در افزایش توان اقتصاد مقاومتی و تقویت اقتصاد ملی باید به همه

مؤلفه‌ها اهمیت داده و علاوه بر آن، مؤلفه‌های تعامل با قوه مجریه، مؤلفه‌های تعامل با نیروهای مسلح را در اولویت برنامه‌های کوتاه‌مدت میان‌مدت و بلندمدت خود قرار دهد.

همچنین نتایج این تحقیق با پژوهش ذوالفقاری و همکاران (1395) از این حیث که پلیس در بُعد پیشگیری به چهار مؤلفه تعامل با نیروهای مسلح در جهت اقدامات اطلاعاتی - امنیتی و تعامل با سازمان‌های قوه مجریه از قبیل گمرک، وزارت خانه‌های اطلاعات، صنعت، معدن و تجارت، اصناف، تعامل قوه مقننه، تعامل رسانه‌ها، هم سویی و مطابقت دارد. همچنین این پژوهش با پژوهش سیمون (2007) از حیث این که پلیس اطلاعات محور متکی بر داده‌های متقنی است که از طیف وسیعی از منابع، به منظور ایجاد محصولات اطلاعاتی جمع‌آوری می‌شود و می‌تواند بر تصمیم‌گیرندگان و در نهایت محیط جنایی تأثیرگذار باشد و همچنین یکپارچه‌سازی سازمان‌های مجری قانون برای ارتقاء رویکرد اطلاعات محوری منطبق است. لیکن با پژوهش بابایی و نجیبیان (1387) و پژوهش رجبی (1392)، از حیث استفاده از اجبار جهت مشارکت نهادهای جامعوی در امر پیشگیری و تعامل با نظام بین‌الملل و بروز و ظهور رفتار جمعی و شیوه‌های رفتار مشارکت‌های مردمی به ویژه سازمان‌های مردم نهاد موفق فرهنگی _ با توجه به رویکرد تعاملی بین سازمانی این پژوهش _ هم سو نمی‌باشد. نکته‌ی دیگر آن که پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، فاقد جامعه آماری متخصص همانند پژوهش حاضر هستند.

لذا با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش باید گفت که قاچاق کالا توسط باندها یک پدیده پیچیده است که تقریباً هیچ وقت یک سازمان همانند پلیس به تنهایی قادر به پیشگیری از آن نخواهد بود. بنابراین به خاطر پیچیدگی این پدیده، اقدامات کلان دیگری از جنبه‌های مختلف دیگر باید در زمینه پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا از سوی سازمان پلیس انجام گیرد.

در این راستا پلیس در عرصه‌ی مبارزه با قاچاق کالا و پیشگیری از شکل‌گیری و گسترش باندهای قاچاق کالا و اقدامات گسترده آن‌ها باید در اندیشه اتخاذ تدابیر تعاملی در سطح کلان، برای رسیدن به وضعیت مطلوب باشد تا از ایجاد هزینه‌های مضاعف و مستمر بکاهد. لذا پلیس باید در جلب حمایت و مشارکت دیگر سازمان‌های اجرایی و ستادی متولی مبارزه با قاچاق کالا، نظام دادرسی و ... فعال باشد و در همسو نمودن

اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای با امر قاچاق و نفوذ اقتصادی قاچاق‌چیان دانه درشت در این سازمان‌ها گام‌های مؤثری در ایجاد زیرساخت‌های تعاملی مناسب بردارد.

پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود، سازمان پلیس برای ایفای نقش مؤثر در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا موارد ذیل را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهد:

- طراحی و پیاده‌سازی نظام کارآمد تعاملات پلیس با قوای سه‌گانه در جهت پیشگیری از جرایم باندهی و سازمان یافته در حوزه قاچاق کالا؛
- برنامه‌ریزی گسترده در سه سطح کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در جهت تعامل و هماهنگی بیشتر با نیروهای مسلح و استفاده از توان نیروهای بسیج، سپاه و ارتش در حوزه اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای در حوزه قاچاق کالا؛
- تعامل و هماهنگی بیشتر نیروهای مسلح و ایجاد یک معاونت یا مرکز پیشگیری و مقابله با قاچاق باندهی کالا در ستاد کل نیروهای مسلح؛
- هماهنگی و تعامل گسترده با سازمان گمرک برای تسلط و اشراف پلیس به سامانه‌های یکپارچه گمرک در جهت شناسایی و حذف بسترهای شکل‌گیری باندهای قاچاق از مبادی رسمی؛
- تدوین پیش‌نویس قوانین لازم و تعامل با مجلس شورای اسلامی در راستای تدوین قوانین و مقررات متناسب جهت مسدود نمودن راه‌های گریز قانونی قاچاق‌چیان عمده؛
- هماهنگی و تعامل بیشتر با سازمان‌ها و نهادهای متولی مبارزه با قاچاق کالا در جهت مشارکت با سازمان پلیس در خصوص ورود قاچاق کالا از مبادی رسمی؛
- هماهنگی و تعامل برای جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از بانک‌های اطلاعاتی نهادهای دولتی و غیردولتی در راستای اشراف اطلاعاتی بر نحوه و چگونگی قاچاق کالا در کشور توسط باندهای قاچاق کالا؛

- ایجاد ساختار سازمانی متناسب برای تعامل و همکاری پلیس با بخش خصوصی در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا؛
- برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌های جمعی در زمینه پیشگیری از شکل‌گیری باندها قاچاق کالا از مبادی رسمی؛
- تعامل و همکاری پلیس با اتحادیه‌ها و اصناف در جهت پیشگیری از فعالیت‌های غیرقانونی باندها و شبکه‌های عرضه و فروش کالای قاچاق.



منابع

- ابراهیم زاده آسمین، حسن و عباسیان، مجتبی (1389). بررسی دلایل و عوامل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راه کارهای رفع آن. دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال هفت، شماره 4 (پیاپی 31). صص 109-130.
- ابراهیمی، شهرام (1390). جرم شناسی پیشگیری، محدودیت‌های حقوق بشری پیشگیری از جرم. تهران: میزان.
- بابایی، محمدعلی و نجیبیان، علی (1387). تعامل پلیس با نهادهای جامعه‌ی در پیشگیری از جرم (با تأکید بر تدبیر نظارت شخص ثالث). فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال سوم - شماره 7، صص 6-32.
- بیات، بهرام؛ شرافتی پور، جعفر و عبدی، نرگس، (1387). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور. تهران: معاونت اجتماعی ناجا، صص 25-40.
- رحیمی نژاد، اسمعیل (1396). نظریه انتخاب عقلانی. دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش امیر حسن نیاز پور، تهران: نشر میزان.
- ذوالفقاری، حسین؛ سلیمی، اکبر؛ میرزاخانی، عبدالرحمن و درویشی، صیاد (1395). طراحی و تدوین الگوی مدیریت انتظامی پیشگیری از جرم. رساله مطالعات گروهی دانشجویان دوره اول دکتری مدیریت پیشگیری از جرم، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- رهامی، محسن و حیدری، علی مراد (1384). چالش‌های فراروی سیاست جنایی در قبال جرایم بدون بزه‌دیده. شماره پیاپی 845، شماره 70، صص 185-212.
- رجبی، سهیل (1392). راهکارهای جلب مشارکت مردمی در امر مبارزه با قاچاق کالا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- رجبی پور، محمود (1387). مبانی پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران: انتشارات منتهی.
- شاطری پور اصفهانی، شهید (1388). پیشگیری اجتماعی از جرم در کنوانسیون پالمو (2000) و کنوانسیون مریدا (2003). فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، شماره 10، صص 14-30.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (1383). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آن.
- صفاری، علی (1390). مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم. چاپ دوم، تهران: انتشارات تحقیقات حقوقی.

- کلانتری، محسن و صفری، اسماعیل (1387). کاربرد فناوری‌های نوین در امور پلیسی. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ششم، بهار.
- گسن، ریموند (1370). جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی. ترجمه شهرام ابراهیمی، تهران: نشر میزان.
- معین فر، سجاد، محسنی، رضا علی و نوربان، ایوب (1395). زمینه‌های شکل‌گیری قاچاق کالا و آسیب‌شناسی برنامه‌های مقابله با آن. فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی مازندران، سال هفتم، شماره چهارم (پیاپی 27)، صص 17 - 50.
- نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین (1379). مباحثی در علوم جنایی (تقریرات درس جرم‌شناسی پیشگیری). رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین (1391). از جرم یقه‌سفیدی تا جرم اقتصادی. دیباچه مایکل ال بنسون و دیگران، جرایم یقه‌سفیدی، رویکردی فرصت‌مدار، ترجمه اسماعیل رحیمی‌نژاد، تهران: نشر میزان.
- Merriman, D. (2012). Understand, measure and combat tobacco smuggling. Washington: World Bank Economics of Tobacco Toolkit, 7.
- FeHM Treasury, HM Customs and Exercise March (2000). Tackling Tobacco Smuggling London, England. Available at <http://www.hmce.gov.uk>
- Simeon, T.J. Matthew j(2007). The Integration of Virtual Public- Private Partnership into Local Law Enforcement to Achieve Enhanced Intelligence- Led Policing. Naval University, Monterey, California.